

3430

ط ٢

الحسين  
عليه السلام

www.Ketab.ir

# ۳ رساله

از مکتب عرفانی بهرم

ترجمه مفهومی از:

محمدجواد ناسک چهارمی

زینب رحمانیان کوشکی

سرشناسه: ناسک جهرمی، محمد جواد ۱۳۶۴  
عنوان و نام پدید آور: ۳ رساله از مکتب عرفانی جهرم / مؤلفین: محمد جواد  
ناسک جهرمی، زینب رحمانیان کوشککی ۱۳۶۳.

مشخصات نشر: امید، ۱۳۹۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۷۶۴-۲۵-۱

موضوع: رسائل عرفانی

رده بندی کتب: ۳۳۳ الف ۲۷۷ BP

رده بندی درجی: ۲۹۷/۸۳

شماره ثبت کتابخانه ملی: ۵۱۲۴۳۹

عنوان کتاب..... ۳ رساله از مکتب عرفانی جهرم  
مؤلفین..... محمد جواد ناسک جهرمی، زینب رحمانیان کوشککی  
ناشر..... امید  
سال نشر..... ۱۳۹۷  
تیراژ..... ۱۰۰  
نوبت چاپ..... اول  
قیمت..... ۵۰۰۰  
چاپ..... یاران  
شابک..... ۹۷۸-۶۰۰-۷۷۶۴-۲۵-۱  
نشانی: تهران- میدان انقلاب- مقابل سینما بهمن- خیابان اردیبهشت- ساختمان  
اردیبهشت- پلاک ۱/۲۲۵. تلفکس: ۶۶۹۵۲۱۷۶ تلفن همراه: ۰۹۱۲۱۸۵۸۵۰۱  
کلیه حقوق چاپ این کتاب برای ناشر و مؤلف محفوظ است. هرگونه کپی برداری  
پیگرد قانونی دارد.

## فهرست مطالب

| صفحه     | عنوان                                                          |
|----------|----------------------------------------------------------------|
| ۷.....   | مقدمه.....                                                     |
| ۹.....   | انواع اجتماعات در عصر شیخ قطب بن محیی.....                     |
| ۹.....   | دیباچه‌ی نصیرای همدانی بر مکاتیب قطب بن محیی.....              |
| ۱۰.....  | ترقی‌دهنده‌ی شناخته از قطب بن محیی.....                        |
| ۱۳.....  | شهاب‌الدینی جهرمی، ناگرد مکتب قطب بن محیی.....                 |
| ۱۷.....  | اسم و نسب شیخ شهاب.....                                        |
| ۱۸.....  | اشعار شیخ شهاب در وصف جهرم در مثنوی بحرالمعارف.....            |
| ۱۸.....  | تاریخ ولادت و وفات.....                                        |
| ۱۹.....  | آثار شیخ شهاب دانیالی فسانی جهرمی.....                         |
| ۲۱.....  | مذهب شیخ شهاب جهرمی و طریقه‌روی.....                           |
| ۲۲.....  | اوضاع اجتماعی- سیاسی جهرم در عصر شیخ شهاب فسوی جهرمی.....      |
| ۲۳.....  | نهضت اخوان آباد.....                                           |
| ۲۶.....  | تازه‌هایی درباره‌ی فرزندان قطب از زبان شهاب دانیالی جهرمی..... |
| ۲۹.....  | سه تن از مخاطبان مکاتیب قطب بن محیی.....                       |
| ۱۴۳..... | منابع و مأخذ.....                                              |

## سپاس

از همه کسانی که ما را مشمول لطف و رحمت خویش قرار دادند و  
ی تک ک این عزیزان از صاحب اعظم خواستار کامیابی می‌باشیم.

## مقدمه

مکاتب عرفانی چهارم که در قرن نهم هجری قمری توسط بنیان گذار قطب آباد یعنی قطب بن محیی، عارف آن عصر و صاحب مکاتیب پایه ریزی می‌شود؛ به توسط شیخ شهاب بن علاء بن علی دانیالی فسوی چهارمی عارف و شاعر قرن دهم هجری و هم عصر شاه طهماسب صفوی ادامه پیدا می‌کند. اگرچه در این زمانه منابع تاریخی را الذریعه، مجمع الفصحا، ریحانه الادب به «شیخ قطب بن محیی» و مکاتیب اشاره شده است و شیخ جعفر شوشتری در مجالس المؤمنین<sup>۱</sup> و مولی عبدالصمد همدانی در بحر المعارف<sup>۲</sup> از جملات وی استفاده کرده‌اند اما راجع به تفکرات و آثار شیخ در ایجاد نهضتی در قطب آباد چهارم، نیاز به تحقیق بیشتری است. دکتر زرین کوب هم در دهه بیست و سی جستجو،<sup>۳</sup> معتقد است که جستجو در تصوف و نهضت صوفیانه‌ی قطب آباد امکان ادامه داشتن راه وی در قطب آباد نیاز به تحقیق و تدقیق است.

نگارنده، پس از مطالعه‌ی کتاب دنیای قطب آباد در تصوف، بر آن شد که به واکاوی در مورد کلام فاخر دکتر زرین کوب<sup>۴</sup> بپردازد و با تفحصی در تاریخ فارس و چهارم و نیز پی گیری نسخ خطی، مطالب راه گشایی را در برابر دیگران اهل عرفان و قلم قرار دهد. یکی از نسخ خطی که به شیخ چهارم در عصر شیخ قطب اشاره می‌کند، دیباچه‌ای است که نصیرای همدانی - عارف قرن دهم - و یازدهم هجری قمری - بر مکاتیب قطب چهارمی نوشته است که این نسخه در کتابخانه ملک به شماره ۳۶۷۱/۳۱ به ثبت رسیده و مربوط به قرن دهم است. کتاب مهم تر از این منبع، آثار نفیسی از عارف مهجور شهرستان چهارم، یعنی «شیخ شهاب الدین علاء بن علی دانیالی چهارمی» است، که مهم ترین آنها رساله فقریه و مصباح السالکین است که برای اولین بار توسط نگارنده این سطور تصحیح شده است. در این پژوهش ابتدا به معرفی تألیفات ناشناخته‌ای از قطب بن محیی پرداخته

۱- قطب: ۱۳۸۴: ۱۲.

۲- همان.

می‌شود و در پایان به زندگی و آثار شیخ شهاب بن علاء دانیالی چهارمی، اشاره خواهد شد.

www.Ketab.ir

### اوضاع اجتماعی در عصر شیخ قطب بن محیی

از مکاتیب شیخ قطب بن محیی چهرمی چنین استنباط می‌شود که در جنوب شیراز یعنی شهرستان‌های چهرم و لارستان و نواحی این دو شهر در اواخر قرن نهم، اوضاع نابسامانی رنج می‌برده و فعالیت صوفیان و عرفا با مخالفت و مداخله دستگاه‌های حکومتی به سختی ادامه داشته است. ترس حاکمان از نشر فکری تعالیم شیخ و در نهایت پشتیبانی عامه، منجر به فشارهایی بر شیخ قطب و شاگردانش و وارد ساخته آن گونه که در یکی از مکاتیبش ضمن خطاب به امرای احمدیه به شکایت اخوان آیاه اشاره کرده و می‌نویسد:

«ای جماعه فاسق! شما مژده که زود است که اخوان به اخوان آباد می‌روند و هفته هفته بلکه ماهانه روی شما نمی‌بینند، چرا که چنین معلوم می‌شود که نماز جمعه آن جا رفس نیست، بلکه امید از آن بریده نیست که آن جا چندان کسی بازدید شده که نماز جمعه توان ندارد. آن گاه در برابر شما خالی می‌شود، از آن پس از شما که به چند نفره ما رهیدید، اما چنگ خدای عزوجل رهایی ندارید، مگر توبه کنید و بازگردید»<sup>۱</sup>

دیباجه‌ی نصیرای همدانی بر سبب محبت بنی‌نمی نیز علاوه بر اینکه به اختفای فعالیت اخوان آبادی‌ها خبر می‌دهد، می‌گوید که این موضوع که افکار و راه قطب پس از خودش نیز ادامه داشته است نصیرای همدانی می‌بشد:

«صوفیه حق گفته که در توفی نوبت سلطنت است که در زمان دولت آن اسم، حکم سایر اسماء... و قهرمان آثار در دیگر مقهورند. که اگر اسم هوفی شأن و گواهی این دعوی، غلبه‌ی آثار اسم الخفی است که در استیلا است. احکام او در این دوره کوکب من ابدی الخفا گشته و در این آفتاب پس خورشید ضمیر من، گل اندود و اختفا مانده، زهره چنان معانی در زیر سایه کلیم لغت نهفته‌اند و سیه چردگان عبارات در پرده‌ی حجاب کتاب مانده، سرپوشیدگان اندیشه از شکاف هودج خیال، خودنمایی نکنند»<sup>۲</sup>

نه تنها عبارات فوق بیانگر مخفی بودن حرکت پیروان شیخ قطب بن محیی را می‌رساند؛ بلکه عدم آزادی بیان عقاید صوفیه در این دیباجه نیز مورد تأیید

۱- قطب: ۱۳۸۴: ۷۲۳.

۲- همدانی، نصیرا، دیباجه بر مکاتیب قطب، ص ۱ نسخه‌ی خطی.



است. اگر چه نوشتن نامه بین مشایخ صوفی حکم یک سنت داشته اما این سنت - یعنی نامه نگاری - در دوره قطب بن محیی تا دوره‌ای نه چندان دور، بخاطر خفقان اجتماعی-سیاسی، موجب نوشتن نامه های فراوانی به یکدیگر شده و از این طریق ضمن ارتباط باهم تعلیم عرفانی خود را زنده نگه داشته‌اند. به ویژه آنکه به غیر از مکاتیب جناب قطب، منشآت نصیرای همدانی از شهرت بسزایی در تاریخ برخوردار است.

نصیری همدانی در جای دیگری از دیباچه‌اش بر مکاتیب قطب، با بیانی عجیب و شگرتی نویسد:

«صاحب این سینه صاف و روشن ضمیری صاحب انصاف که دست چپ از راست بداند کجاست؟ که در این بحر کف نشینم و راست گویم. امروز لیلای لفظ و سلمای معنی و عذرای کبر و انشای اندیشه عشق بازی ندارند.»<sup>۱</sup>

## معرفی دو اثر ناشناخته از قطب بن محیی برای اولین بار

### ۱- رساله الهوائف فی سلوک العوارف

#### ۲- مراتب سبعه باطن

درست است که قطب بن محیی با نامه های عرفانی و تربیتی‌اش معروف و مشهور است اما با کنکاشی در نسخ خطی می‌توان به دو اثر نفیس و کمتر متعلق به این عارف بزرگ قرن نهم هجری اشاره کرد. نسخه خطی شماره ۴۰۴۵ کتابخانه ملک تهران مجموعه فارسی است از عزیزالدین محمد نسفی البته در این مجموعه از نویسندگان دیگری نیز نام برده شده است. از جمله شماره ۴۰۴۵/۴ که نامش رساله الهوائف فی سلوک العوارف زبان عربی است. این نسخه را متعلق به شخصی به نام محمد بن محیوی شیرازی ثبت شده است.

ابتدای نسخه ۴۰۴۵/۳ کتابخانه ملک آمده است:

«تبارک الله علی الاخوان الالهین و تبیین لهم حقایق مناهج السالکین اما بعد التماس کرده بودند که مستحق که خوض در آن رفت در باب بیان مراتب سبعه

۱- همدانی، نصیرا، دیباچه بر مکاتیب قطب، ص ۱ نسخه ی خطی.

باطن انسان و ذکر خصایص و آثار آن که به آن بعضی از آن مراتب از بعضی ممتاز گردد بنویشتن درآید تا حاضران و غایبان در آن معنی باشد بدانند که مراتب سبیه باطن انسانی که سالک را در سیر روحانی عبور برانند چنانکه در رساله هوائف مذکور شد جامع است و نفس و قلب و روح و سر و خفی و اخفی.»

در ابتدای نسخه ۴/۴۰۴۵ نیز به مراتب هفت گانه باطن و البته به زبان عربی می نویسد:

«تبارک و تعالی و لک الحمد علی ما اولیت صلی و سلم علی نبیک و اهل بطنه و صحابه و تابعین و من هدیت هتف الهوائف و کثرت الصوارف و قام اساس الالباب الانسی موقن فی انوار مشارف و أعلم ان الله عزوجل لما ابناها انه خلق السموات سبعه طبق الذوات، ان الوجود الانسانی الذی هو العالم الاصغر مندرج فی سبع مراتب سعلقه بتلك السبع اعصاب و عروق معنویه و اسباب و رباطات غیبه منی قیضت انقضا و منی اسلت استرسله نزل الامر بیسهن کما تنزل هنالك و قد ورد فی الانسی بیلیس لعنه الله کما له فیما مضی الولوج فی طبقات السموات کلها فلما ولد المسيح روح الله حجب عن اربعه طبقات و بقی له ثلث سموات یلج فیها و یقدمها مقاعد سمع و تدبیره فی العالم الانسانی المراتب الی هی دون الروح أعنی القلب و بعده النفس المده الطبیعه و اما حجب عنها فالروح و فوقه الخفی.»

همان گونه که آشکاراست نویسنده در نسخه ۳/۴۵۰ در سطر پنجم می نویسد «چنانچه در رساله الهوائف اشاره شد» و این مطلب نشان می دهد که نسخه ۴/۴۰۴۵ و ۳/۴۰۴۵ هر دو از یک نفر باشد و چون نسخه ۴/۴۰۴۵ «الهوائف» طبق مستندات کتابخانه ملک متعلق به محمد بن محیی است پس نسخه ۳/۴۰۴۵ که نامش مراتب سبیه باطن است از نسفی نبوده و از محمد بن محیی شیرازی است. اما این که محمد بن محیی شیرازی کیست؟ سؤال است که پاسخ آن از محوری ترین اهداف این کتاب است.

با تفحص زیاد مشخص شد این محمد بن محیی شیرازی همان قطب بن محیی صاحب مکاتیب است. اولین دلیل آنکه عالم معاصر قطب یعنی فضل الله بن روزبهان (ح ۸۶۰-۹۲۵ق) در کتاب تاریخ عالم آرای عباسی در ذکر وقایع سال ۸۹۴، وی را «مولانا قطب الملة والشریعة والدین محمد المحیوی» نامیده و از او با

احترام بسیار و ذکر القابی چون «جنیدالوقت، ابویزید الزمان» یاد کرده است.<sup>۱</sup> ادله‌ی دوم اینکه متن نسخه مراتب سبعة باطن به مراتب هفت گانه‌ای می‌پردازد که در بین برخی از بزرگان عرفان و تصوف همچون علاء الدوله سمنانی که قطب به وی هم اشاراتی دارد مورد توجه بوده است. نویسنده یعنی قطب بن محیی به توضیح ۷ مرحله باطنی یعنی طبع، نفس، قلب، روح، سرّ، خفی و اخفی پرداخته است. این درحالی است که قطب در مکتوب ۲۷۳ چاپ قم خطاب به مجدالدین می‌نویسد:

«اما سیر و رهی که پدیده‌ی دل آدمی، سرّی مودع است که جز به وجه الهی خندان نباشد. آن وجه شهود او نرسد گویا نگردد، جز خدای را نتوان شناخت و جز با خدای احسن و کریم تر که پیغمبران علیهم السلام نهادفاند و اذکار و صلوات که تعیین کرده اند، راه برای آن است که باشد اثر آن به آن سیر رسد و آن سیر جنبش که به حقیقت نماید و انوار آن بر پرده‌های هفتگانه‌ی دل لامع گردد. هر کس که سیر او گویا باشد، گویای اشیائی گشت و هر کس که سیر او گویا نشد چون «سموات سبع» صواب نیست به حقیقت و هر آینه پرده‌های هفتگانه‌ی دل نیز برزد، چون سیر او گویا نشد و حرارت محبت الهی در وی جنبش نکرده، گنگ جاوید باشد و [چون] زمی برتعطیل افتد.<sup>۲</sup>

قطب در مکتوب ۳۹ چاپ فرهنگستان زبان و ادب فارسی می‌نویسد: «اگر کسی سؤال کند که در بعضی نامه‌ها پرده‌های دل هفت حمره شده: طبیعت و نفس و قلب و روح و سرّ و خفی و اخفی و در این نامه سه شمره شد؛ چهر و سرّ و اخفی وجه توفیق میان این دو سخن چیست؟»<sup>۳</sup>

علاوه بر شواهد فوق، ابتدای نسخه الهواتف به واژه «الاخوان الالهین» که تکیه کلام قطب در مکاتیب و یابه عبارتی زبان رمزینه و سمبلیک او در بیان نهضت اخوان آباد است؛ اینجا نیز آمده است. بنابراین می‌توان اثبات کرد نسخه مراتب سبعة باطن کتابخانه ملک که به اشتباه به نسفی نسبت داده شده، بدون تردید متعلق به قطب بن محیی یا همان قطب الدین محمد المیحوی شیرازی

۱- دانشگر، ۱۳۹۵: هجده.

۲- قطب، ۱۳۸۴: ۶۵۳.

۳- دانشگر، ۱۳۹۵: ۱۴۵.

است. از سویی دیگر در رساله الهوائف فی سلوک العوارف نیز به شماره ۴۰۴۵/۴ مشخص می گردد که متعلق به قطب بن محبی است. باید متذکر شد که داده های تازه این دو اثر ، مجال دیگری می طلبد. اما مهم ترین نکاتی که می بایست اشاره کرد آن است که قطب در این دو اثر به مباحث فلسفی و عرفانی راجع به عالم صغیر و عالم کبریا در مراتب هفتگانه مشهور در بین عرفا و متصوفه پرداخته و از اشخاصی همچون ابن خفیف شیرازی، ابوالحسن شاذلی و ابوالعباس بونی به بزرگی یاد کند.

### شیخ شهاب الدانیالی چهره‌ی شاگرد مکتب قطب بن محبی

شیخ شهاب الدانیالی، علاء دانیالی، چهره‌ی که از عارفان و شاعران بزرگ اما مهجور قرن دهم هجری است. شهرستان چهارم حیات طویه و عارفانه‌ای داشته است. از شیخ شهاب هم‌اند استادش شیخ عبدالله قصه‌بن محبی، اطلاعات زیادی در دسترس نیست ولی خوبترین منابعی که گویای حالات و زندگی می‌باشد مربوط به ۵ اثر نفیسی است که از ویبه جا مانده است. علاوه بر ۵ اثر ارزشمند شیخ شهاب به دربار شیخ شهاب بحث خواهد شد. مأخذی وجود دارد که به زندگی، آثار و احوال شیخ اشاره کرده اند. این آثار به شرح ذیل می‌باشد:

#### ۱- کتاب ریاض الحکماء و بیاض العلماء:

تنها منبع و تنها مورخی که راجع به شرح حال شیخ شهاب اشاره می‌دارد، مربوط به کتاب ریاض الحکمای میرزا عبدالله افندی اصفهانی است. میرزا که در مورخین قرن دوازدهم می‌باشد در اثر خود، یک صفحه راجع به شیخ الدانیالی چهارم نگاشته که این شیخ علی دانیالی چهره‌ی همان شیخ شهاب بن علاء بن علی دانیالی است.<sup>۱</sup>

۲- صاحب معجم المؤلفین نیز ضمن چند نیم سطر به شیخ شهاب و اثر نفیس او یعنی جواهرالادراج اشاره می‌کند.<sup>۲</sup>

۱- افندی: ۱۴۰۳ هـ. ق. ج: ۴، ص: ۱۸.

۲- کحاله‌بی: تا، ج: ۷، ص: ۸۹.

۳- علامه دهخدا در لغت نامه، کلام معجم المؤلفین را ترجمه کرده<sup>۱</sup> و آقا بزرگ تهرانی متن میرزا عبدالله افندی را تلخیص نموده است.<sup>۲</sup>

۴- دکتر قراگوزلو ذکاوتی در دایره المعارف تشیع<sup>۳</sup> و نیز آقای محمد کریم اشراق در کتاب «بزرگان چهارم» بیشتر بیان میرزا را نقل قول کرده اند.<sup>۴</sup>

۵- در دست نوشته های ایران (دنا) نیز اسم شیخ شهاب بن علاء بن علی دانیال به اشتباه علی بن علاء دانیالی ذکر شده است.<sup>۵</sup> در تذکره نصیرآبادی آمده است که طاهر نصیرآبادی مورخ قرن ۱۱ هجری که به طور مفصل، بخشی را به نام علی بن علی در وی اختصاص داده است؛ هیچ نامی از شیخ شهاب چهارمی صاحب شمه طولیل به یاری نیامده است.<sup>۶</sup>

شیخ شهاب در کتاب «واهر الادراج» به شغل اجدادی خود یعنی قضاوت می پردازد و همچنین مذكر می گرد که بدلیل آتش طلب معرفت، دست از این شغل برداشته و با جدانیت به شغل مالوف یعنی سزا به زیارت جدم رکن الدین دانیال شتافتم و پس از آنجا به جهرم آمدم و در غار ویران آن شهر به عبادت و تصفیه نفس پرداختم. هم اکنون بهر حال من بسیار دیدنی و از چشم انداز طبیعی خاصی برخوردار است که در شهر محمدآباد جهرم در مسیر جاده لارستان واقع شده است. (شهاب دانیالی، نسخه خطی: م: ۳)

متن عربی: «فانی لما رجعت من خدمه حضرة اسما و سیدنا نبوغ العلم والمعارف جلال المله والدين محمد الدواني روح الله روحه و ادم بن ابي اسحق و فتوجه ووصلت الى وطنی الموسوم بفسا واشتغلت بامر القضا مدة ثم كنت مضطرا الى اله من الليالي و رایت فی تلك الليلة فی المنام حلقة من المشايخ و ریت رجلا جمیلا مکسوبا کان فی وسطها و امر فی بالتجريد و فترکت المنصب الارثی و الوین و افرائی و قد عوضنی الله تعالی خیرا مما ترکت فتوجهت الى طریق العقب و

۱- دهخدا: ۱۳۷۳: ج ۱۰: ۱۴۲۹۴.

۲- طهرانى، بی تا: ج ۵: ۲۶۰.

۳- ذکاوتی، ج ۷: ۴۳۰.

۴- اشراق: ۱۳۵۱: ج ۱۲۹.

۵- درایتی: ۱۳۸۹: ج ۱۱: ۴۸۴.

۶- نصیرآبادی: ۱۳۸۷.

اشتغلت بذكر لاله الا الله و تصفيه القلب و تزكیه النفس و تهذيب الاخلاق و تقليل الاكل والنوم والكلام الا عند الاحتياج والضرورة بقانون المومن المفضل المعانم ثم توجهت الى زياره جدی سيد الاقطاب والابدال الشيخ ركن الحق والدين دانيال رحمه الله عليه ثم رجعت الى المدينه الموسوم بچهرم حرسها الله تعالى عن التصرم اقول الى الغار المدعو بالوری واشتغلت بحفظ الانفاس و الاوقات»<sup>۱</sup>

ترجمه : « پس آنکه از خدمت حضرت استادمان و سرورمان، چشمه‌ی علم و دانش دانیال الدین محمد دوانی» که خداوند روحش را شاد کند و فیوضاتش و فیوضاتش را به ما ادامه دهد بازگشتم و به میهنم موسوم به فسا رسیدم، برای مدتی مشغول به شغل شایسته شدم. سپس درحالی که نگران نشسته بودم شبی از شهاب در خواب جانی از مشایخ را دیدم و دیدم مردی زیبا که در میان نشسته بود و دستور به خرید میداد پس شغل و منصب ارشی و نیز میهنم را و همچنین نزدیکانم را ترک کردم در حالی که خداوند تعالی به من در عوض آنچه ترک کردم خیری داد. سپس متوجه مطالب شدم و مشغول به ذکر لاله الا الله و تصفيه قلب و تزكیه نفس و تهذيب اخلاق و كم کردن خوردن خواب و سخن گفتن شدم جز در مواقع مورد نیاز و لازم به سیر و سفر من اهل فضل و نعمت سپس متوجه زیارت جدم سيد الاقطاب و ابدال «شيخ ركن الدين دانيال» رحمه الله عليه شدم پس به سوی شهرچهرم که خداوند مددش را از آن شهرها را از بی‌ها نگه دارد، سپس به غار که آن را ورا نامند رفتم و مشغول به حفظ انفس و اوقات شدم»<sup>۲</sup>

از دیگر نوآوری های مطالب شیخ شهاب دانیالی درباره احوال و مطالب بن محیی و اخوان آباد به شرح ذیل است که در این نوشته به روشنی مدشر شده است. به چهرم و اخوانآباد پرداخته است. در مصباح السالکین می‌نویسد:

فست مع الأهل والأولاد إلى البقعة المباركة الموسوم بإخوان آباد لازالت قبل لتوجهات أرباب الطلب والعباد وأقامت بها قريبا من سنتين وعاشرت مع الأخ الصالحين والعاكفين في ساحة الحضرة المقدسة المنور القطبية خفت بالأنوار القدسية بالإحترام والتوقير والموافقة والأحسان ثم لاحظت أعمالهم وأطوارهم وطريقتهم وقظه‌ی لهم أنه هم السالكون لطريق الله و ان جميع حركاتهم و سكناتهم مقتبسة

۱- شهاب چهرمی: نسخه خطی، م: ۳.

۲- ترجمه از نگارنده.

من مشکوة النبوة فوجدت طريقتهم أصوب الطرق والتزمت سلوك طريقتهم واشتغلت بتحصيل علوم الصوفيه من كتبهم و رسائلهم و حصلت بقدر الاستعداد والأهليه ما تيسر لى من علومهم و طريقتهم و سيرتهم و أخلاقهم بالتعلم والسماع ثم وقعت الفترة فى مدينه جهرم فسرت مع بعض الأخوان بلغهم الله تعالى إلى مراتب كمال الإيمان والعرفان إلى مدينه لار حماها الله (تع) عن البوار و أقمت به قريبا من سنة ثم تحركت داعية زيارة جدنا الأعلى سيد الأقطاب والأبدال صاحب الرجايد والخوان ركن [الحق] الحقيقه والذين دانيال قدس الله سره و آدم علينا فتوجهت إلى الأدياء خنچ حرسها الله (تع)

توضیح: پس در لار با زن و فرزندانی که بقمه مبارکه موسوم به اخوان آباد مسافرت کردند تا به توجیه طلب و بندگان قرار گیرم و نزدیک به دو سال در آنجا در محضر حضرت مقدسه مقرر قطبيه در مزين به انوار قدسی با احترام و وفارو موافقت و احسان و محبت همراه برادران نیک کار و متکفین اقامت کردم... سپس در شهر جهرم آشوب واقع شد پس به همراه بعضی از برادران - که خداوند تعالی آنها را به مراتب کمال ایمان و معرفت رسانیده - شهر لار - که خداوند متعالی آن را حفظ کند از هر گونه بلا - مسافرت کردم و نزدیک به یک سال در آنجا سکونت کردم سپس تمایل پیدا کردم برای زیارت جدمان سيد اقطاب و ابدال صاحب تواجيد و احوال «شيخ ركن الدين دانيال» که خداوند قدسی گرداند رازش را و ادامه دهد بر ما فیوضات او-. پس به شهر دوستان خدا خنچ خداوند آن را از بدی ها نگهدارد و زیاد گرداند شرافتش را مسافرت کردم.

در جای دیگری از مصباح السالکین به مکاتیب قطب پر خنچه و می نویسد:

قال بعض المشايخ العلم درک الحقایق الأشياء مسموعا و متقولا والمعرفة أن يعرف الله تعالى بالوحدانية و يعلم أنه أول كل حى ولا يخفى عليك أن لها درجا منها معرفة القلوب و معرفة النفوس و معرفة الدنيا و معرفة العقبى و معرفة المولى جا وعلا و تقدس و تعالى بصفاته و أسمائه و ما يجوز عليه والكلام فى معرفة الملك العالم و عجایب مخلوقاته و درجات أهله على طريق التفصيل محتاج إلى موضع مخصوص و من طلب مزيداً على هذا فليطلبه من التصنيفات القدسيات للحضرة المقدسة القطبية خُتْ بالأبوار القدسية خصوصاً من كتاب المكاتيب.

طبق متن فوق؛ شیخ شهاب نشان می‌دهد که قطب بن محیی صاحب تصنیفات متعددی بوده از جمله مکاتیب و توصیه می‌کند که برای تحصیل معارف الهی باید به سراغ مکاتیب قطب رفت.

### اسم و نسب شیخ شهاب

اینکه نام کامل شیخ شهاب چهارمی، شهاب بن علاء بن علی دانیالی است توجه به رساله‌ی الفقریه و جواهرالادراج اوست. نام شیخ در رساله‌ی الفقریه این- چنین است: «شهاب بن علاء بن علی دانیالی»<sup>۱</sup> اما چنانچه اشاره شد؛ منابع و مراجعی که این شیخ اشاره کرده‌اند، او را به نام کامل و واقعی نخوانده‌اند. حتی میرزا عبدالمعز افندی در تراص الحکمایش می‌نویسد: «الشیخ شهاب الدین علی الدانیالی النسوی، رازی ثم الجهرمی»<sup>۲</sup>

انتساب شیخ شهاب به دانیالی به مناسبت نام جدش رکن الدین دانیال در شهر خنج است.<sup>۳</sup> از رکن الدین دانیال به گفته شود شیخ، از بزرگان صوفیه و عرفای عصر خود بود. به ثبت فسانی وی نیز به خاطر آمدن او در شهرستان فسا می‌باشد و خود شیخ شهاب در کتاب جواهر الادراج از وی به نحوه مهاجرت و مسافرت خود به این شهر اشاره کرده است. ایشان صالنا اهل فسای فارس بوده اما در عنقوان جوانی و به جهت زیارت جدش وار خود شیخ رکن الدین دانیال به چهارم عزیمت کرده و سپس به خنج رفته و دوباره به چهارم بازگشته و در این شهر سکنی گزیده است.<sup>۴</sup> ایشان در همان کتاب نسبت به تم ص ۹۲ و نسخه مشهود ص ۱۲۱ می‌نویسد: «قریب نه سال متردد بودم در جبال جهرم و بر آن و یک قرن در مدینه‌ی چهارم مسکن و آشیانه ساختم بقانون غریبان»<sup>۵</sup> هم‌چنین در قصیده روضه الازهار که در متن جواهرالادراج- نسخه مشهود ص ۴۱- آمده بصورت مجزا می‌توان اثر دیگری از شیخ شهاب معرفی کرد، می‌سراید:

<sup>۱</sup>- شهاب دانیالی، نسخه خطی.

<sup>۲</sup>- افندی: ۱۴۰۳ ه.ق.

<sup>۳</sup>- شهاب دانیالی، نسخه خطی.

<sup>۴</sup>- شهاب دانیالی، نسخه خطی قم ص ۹۲.



شده ماوای این مسکین مطعون حالیا جهرم  
 بوید باد طاعات و خشوع و صدق سکانش  
 نباشد این مدینه خالی از مردان مستبصر  
 نظرگاه درون تاریک باشد دل سیاهانش<sup>۱</sup>

### اشعار شیخ شهاب در وصف جهرم در مثنوی بحرالمعارف

شهر تهر گشت زانوای ما      که تهی نبود زاصحاب صفا  
 محرم را دل ناله باز      هست در جهرم پیرس آن از پاکباز  
 در نگر از روزن جان چون بصیر      تابینی طلعت روشن ضمیر  
 طالبان حق همه شنیدند      تیر بختان لیک زایشان غافلند  
 شهریار و احمدند از طالبان      مخلص این بنده اند صدق جان

### تاریخ ولادت و وفات

میرزا عبدالله افندی، شیخ شهاب را در علمای محدث و اهل تصوف در زمان شاه طهماسب صفوی معرفی می‌کند و از آنجا که شیخ شهاب الدین در بحرالمعارف شعری در وصف و مدح شاه طهماسب صفوی،<sup>۱</sup> سروده است، این مطلب موثق خواهد بود. شاه طهماسب صفوی از سال ۹۳۱ هجری پادشاه ایران شده و تا سال ۹۸۰ هجری حکومت صفویه را برعهده گرفت. جهت شیخ باید تا اواخر یا اواسط قرن دهم هجری یعنی سال ۹۵۰ ه.ق و حتی پس از آن در نظر گرفت. از سویی دیگر چون صاحب ریاض الحکماء شیخ را شاگرد علامه ریسی دانسته می‌توان چنان استنباط کرد که اگر تاریخ وفات علامه دوانی سال ۹۰۸ ه. باشد<sup>۲</sup> پس تولد شیخ به احتمال زیاد قبل از سال ۹۰۸ ه.ق برمی‌گردد. اما از آنجا که میرزا عبدالله افندی صاحب ریاض، شیخ را از اکابر پیش از شاه طهماسب صفوی می‌داند؛ جوانی شیخ و بزرگی وی در عهد شاه طهماسب مورد تعارض واقع می‌شود.

<sup>۱</sup>. شهاب دانیالی، نسخه خطی مشهود.

<sup>۲</sup>. افندی، ۱۴۰۳، ج ۴: ۱۸.

اگر بیان میرزا عبدالله را بپذیریم می‌توان احتمال داد که شیخ شهاب در جوانی از علمای بزرگ عصر خود بوده و تولدش به سال ۵۸۹۰ هجری می‌گردد. اما یکی از دلایل مهم این بحث اشاره خود شیخ شهاب در مثنوی بحرال معارف است.<sup>۱</sup> وی در بیتی می‌سراید:

سال من بود پنجاه و چار  
شرع بوده منعدم لیل و نهار

رساله بودن شیخ در حالی است که کتابت مثنوی بحرال معارف در سال ۱۰۴۴ هجری به پایا رسیده است. اما تا به حال آرامگاه شیخ شهاب دانیالی مشخص نشده است.

### آثار شیخ شهاب: دانیالی فسانی چهرمی

- ۱- بحر الادراج و زواهر الادراج
- ۲- مثنوی بحرال معارف
- ۳- نصایح دانیالی
- ۴- رساله‌ی فقریه
- ۵- مصباح السالکین

۱- جواهر الادراج و زواهر الادراج: بر خلاف نظر برخی محققین که معتقدند این کتاب ظاهراً در حمله‌ی افغان یا پس از آن از رفته است، دو نسخه از آن موجود می‌باشد. یکی در کتابخانه‌ی آیت الله مرعشی نجفی در قم و شماره‌ی ۸۱۳۵ وقف شده و دیگری در کتابخانه دانشکده الهیات مشرف به شماره‌ی ۱۰۳۳ موجود است درحالی که که اولی به خط نسخ و دومی به صورت خط نستعلیق کتابت شده است.<sup>۲</sup>

۲- بحرال معارف: دومین اثر از شیخ شهاب چهرمی، دیوان قطور او به بحرالمعارف است. این دفتر مثنوی معنوی شیخ، که دو نسخه‌ی خطی از آن به شماره ۹۳۷۱ در کتابخانه‌ی مجلس وجود دارد بالغ بر ۱۹۰۰۰ بیت شعر می‌باشد که

<sup>۱</sup> - شهاب دانیالی، نسخه خطی،

<sup>۲</sup> - ذکاوتی: ۱۳۸۰؛ ج: ۷؛ ۴۳۰.

<sup>۳</sup> - نسخه خطی.

بر وزن مثنوی نی نامه مولانا «بشنو این نی چون حکایت می‌کند» سروده شده است و ابیات ذیل نمونه ای از گنجینه مروارید دانش شیخ به عظمت حق می‌باشد:

حمد بی پایان خدای پاک را

کو مکرم ساخت مشتی خاک را

نیست جز او صانع بالا و پست

مظهر خورشید صنعتش، هر چه هست

گنج مشتی او هویدا ساخته

عارفش زان نقد عرفان یافته<sup>۱</sup>

۳- نصایح دانیالی: بین اثر شیخ شهاب الدین چهرمی، مربوط به نصایح عرفانی وی می‌باشد که در انتهای نسخه‌ی خطی بحال موجود در کتابخانه‌ی مجلس، به شماره ۹۳۷۱ به شیوه‌ی نشر کتاب شده است. و کاتب در ابتدای آن چنین نگاشته که: «این مکتوبی است مشتمل بر نصایح سدیدیه که حضرت قدسیه غوثیه شهبایه علیه دانیالیه به حضرت علیه جلیه نظامیه محمودیه ... نوشته در آن تاریخ که به لار فرموده بودند.» «این اثر نیز توسط نویسنده این مکتوب برای اس نسخ‌ه کتابخانه مجلس بازنویسی و تصحیح شده است.

۴- رساله‌ی فقریه: یک نسخه‌ی خطی به شماره‌ی ۴۱۴ در کتابخانه‌ی مجلس، ملک به اسم الفقریه از شهاب الدین علی بن علاء برازی چهرمی ثبت شده است.

۵- مصباح السالکین: نسخه اصلی رساله مصباح السالکین که در سال ۱۳۷۴ ه.ش به نام حجه الاسلام و المسلمین عبدالباقی آیت اللهی شیرازی وقف به کتابخانه آستان قدس رضوی می‌شود. هم اکنون رساله مصباح شیخ شهاب به شماره ۲۳۰۲۲ در کتابخانه آستان قدس رضوی قابل استفاده است. این نسخه وقف

<sup>۱</sup> - شهاب دانیالی، نسخه خطی.

<sup>۲</sup> - شهاب دانیالی، نسخه خطی ص ۱.

شده به زبان عربی است و به خط نسخ در چهارده فصل با عناوین اخلاقی و عرفانی عملی نگاشته شده است. تاریخ کتابت این نسخه به سال ۱۰۹۴ ه.ق برمی گردد.

### اساتید شیخ شهاب

۱- شیخ عبدالله قطب بن محیی صاحب مکاتیب

۲- علامه جلال الدین دوانی

۳- امیرغیاث الدین منصور دشتکی شیرازی

میرزا عبدالله افتدی در ریاض الحکما، علامه دوانی و امیر غیاث الدین منصور دشتکی شیرازی را از اساتید شیخ دانسته است. با توجه به هم عصری علامه دوانی و دشتکی شیرازی با قطب بن محیی بعید نیست که شیخ شهاب از شاگردان مکتب قطب بوده باشد. این موضوع از توجه وافر شیخ شهاب به مکاتیب قطب و نیز سر او به نواحی کناره‌ی خلیج فارس، احتمالاً برازجان روشن می‌شود.<sup>۱</sup> البته نام مکرر کتاب مکاتیب و سند آن یعنی قطب بن محیی در دو رساله الفقریه و مصباح السالکین شیخ شهاب دلیل ملحق دیگری براین مدعا می‌باشد.

### مذهب شیخ شهاب چهارم و طریقت و:

بدون تردید شیخ شهاب در جزء مذهب شیعی بوده است و این موضوع به غیر از اشعار وی، در مثنوی بحرالمعارف و در جواهرالراجوی در شرح احادیث نبویه نقل از ائمه بزرگوار شیعه نمایان می‌باشد، اما اهمیت این نکته در این است که گرایش شدید شیخ عبدالله قطب بن محیی به تشیع را می‌تواند اشعار وی از شیخ شهاب است:

به مهر ال محمد درون منور ساز

که مهر ال نشان محبت به خداست

ز مهر در جگرم آتشی است شوق افروز

تنور آتش دل سوز گلشن جگر است

متاب رخ ز ره شاه بارگاه جلال

که شمع راه مسلمان و قاتل الکفر است

خبر ز شرح اشارات انت منی خوان

اگر چه در حق او پیشمار زین خبر است

اگر به پیش تو رفض است حب اهل البيت

شہاب برج یقین رافضی بحر و بر است<sup>۱</sup>

صاع ا... سیاسی جهرم در عصر شیخ شهاب فسوی جهرمی

منابع آن در کتاب های تاریخی مثل احسن التواریخ حسن بیگ لو، حبیب السیر خواند مبار و قریه های شاه طهماسب به قلم خودش و یا تألیف دیگران، راجع به اوضاع شیراز و به ویژه جهرم، در اواخر قرن نهم و اوایل عصر صفویه مطالب شایسته ای یافت نشد. از آن مکاتب قطب جهرمی و قریه شیخ شهاب که شکوای غریب می باشد پیداست که جهرم در اوایل قرن نهم هجری شاهد خفقان خاص حکومتی بوده و سلطنت سلاطین صفوی بر این ریزه راضی نمی شده اند. شیخ شهاب در قریه، به این اغتشاشات و ناسامانی های در جهرم به زیبایی اشاره کرده و همچنین از شهر لاریان گفته و می نویسد:

« ان الزمان، زمان الفتره و البدعه و المعصيه و قسّاع شر الا مزار ان المؤمن فى هذا الزمان المدينه المروحه المدعوه بلار حاماها الله تعالى عن الشر الله الله الله ارتحل عن بواطن اكثر الحكام حرمة ارباب القلوب»<sup>٢</sup>

قبلا هم اشاره کردیم که شیخ شهاب در کتاب مصباح الحسین به اوضاع خفقان و ناپسامانی های سیاسی و دینی اینگونه اشاره می کند که بعد از فتنه و آشوب های سیاسی در چهرم از آن شهر به سمت لار حرکت کرده و سپس به سج برای زیارت جدش یعنی شیخ دانیال حرکت می کند.

« ثم وقعت الفترة في مدينه جهرم فسرت مع بعض الأخوان بلغهم الله تعالى إلى مراتب كمال الأيمان والعرفان إلى مدينه لار حماها الله (نع) عن البوار وأقمت به قريبا من سنه ثم تحركت داعيه زياره جدنا الأعلى سيد الأقطاب والأبدال صاحب

۱. شہاب دانیالی، جواہر الادراج، نسخہ خطی.

التواجد والأحوال ركن | الحق | الحقيقة والدين دانيال قدس الله سره و آدم علينا فتوجه فسرت إلى دار الأولياء خنج حرس ها الله (نع)»<sup>۱</sup>

صاحب ریاض نیز اشاره می‌کند که «هنگامی که شهاب الدین در چهارم فارس می‌زیست گرفتار گفتگوی گروهی از مردم چهارم از حکومت ها و دیگر افراد بود. هم در رفتاری موجب شد تا شهاب الدین از شهر چهارم فرار کند و از چنگال نااهل رهایی یابد».<sup>۲</sup>

### نهیض اخوانیاد

دکتر زرین کوب، در دنباله‌ی جستجو از جمله نهضت های صوفیه را نهضت اخوانیاد قضا الدین انصاری چهارمی معرفی می‌کند و می‌نویسد: «در باره‌ی نهضت اخوانیاد البته اطلاعات ما از حدود حدس و احتمال تجاوز نمی‌کند. طرح نهضت محقق است و در آن باب جای شک نیست. این نهضت در واقع بیشتر طرح یک نوع دینیه‌ی فاضله رفیانه را در بردارد که وجود آن از رسائل قطب بن محمد بن محمود چهارمی - معروف به عبدالله قطب یا قطب الدین انصاری - مستفاد می‌شود اما طرح نهضت ظاهر مقابله سروع به اجراء متوقف مانده است. در تاریخ انعکاس روشنی دارد».<sup>۳</sup>

دکتر زرین کوب پس از مطالب شایسته راجع به قطب و شوق ایجاد نهضت و جمع آوری اخوان می‌نویسد:

« به هر حال اینکه طرح اخوت اخوان آبادی بعد از شیخ و در عصر صفوی هم ادامه یافته است یا نه محتاج تحقیق است و بعید می‌نماید که وجود تهیه‌ی آن مقدمات جمعیت لااقل به شکل مخفی فعالیت خود را به نحوی داده باشد. تاریخ آن نواحی در این ایام هنوز محتاج نقد و تدقیق است. به غیر از نصیرای همدانی که گلابهای از اختناق اوضاع عصر خود در دیباجه‌ی بر مکاتیب قطب مطرح کرده است و از سوی دیگر منشآتش مانند مکاتیب قطب شهرت خاصی دارد. همچنین بهره‌ای که مولی عبدالصمد همدانی در

۱- شهاب چهارمی: نسخه خطی.

۲- افندی: ۱۴۰۳ ه.ق.

۳- زرین کوب، ۱۳۸۳: ۷۵.

۴- زرین کوب، ۱۳۸۳: ۷۵.

بحرالمعارف از مکاتیب برده نشانگر وجود یک حلقه برادرانه میان آن‌ها درخارج از فارس می‌باشد. البته همنامی بحرالمعارف صمدانی با مثنوی قطور بحرالمعارف شیخ شهاب جهرمی شاگرد شیخ قطب می‌تواند محل امکان دیگری واقع شود که بین صوفیانی از همدان و عارفانی از فارس در قرن دهم و یازدهم ارسال و دریافت مکتوبات انجام شده است. خصوصاً که همدانی‌ها به لهجدهی کردی، لری و بیشتر به لهجدهی گیلکی و یا لکی صحبت می‌کنند و در قطب آباد چهارم نیز، برخی مردم به لهجدهی لری و کردی سخن می‌گویند. این در حالی است که بعضی از مردم خراسان معتقدند که در داول تاریخ به خاطر مسائل سیاسی و حاکمیت امراء، مردم نواحی مختلفی از ایران وارد فارس شده‌اند که گروهی از آن مردم مهاجر در قطب آباد اقامت گزیده‌اند. در این اقامت محلی صحت داشته باشد، بعید نیست که برخی از شاگردان قطب و برادران الهی اخوان آباد، از همدان آمده و همدانی بوده‌اند. به هرحال شیخ شهاب جهرمی به مکتوبات دنیالی جهرمی به ملاقات خود با قطب جهرمی اشاره کرده و در تقریه به طور مکرر به مکاتیب شیخ اخته و یکجا پس از بیان عارفانه می‌نویسد:

«و من طلب مزیداً علی هذا فليطلب من تصنيفات القدسيات للحضرة العلية المقدسة المنورة القطبية حفت بالانوار القدسية من الفارسيات العربيات خصوصاً كتاب المكاتيب و الكلام في کمالات مصنف هـ»<sup>۱</sup>

در جای دیگری، اذعان می‌کند که من حضرت جهرمی در اخوان آباد زیارت کرده‌ام:

«انی رأيت تلك الحضرة المقدسة في المسجد الواقع في البقعة الموسومة بأخوان آباد و افاضني ما افاض علی الاخوان المحققين و اهل الوداد و ادركت ان ارشاد تلك الحضرة المقدسة قد يكون بالکتابات و العبارات»<sup>۲</sup>

همانا من دیدم آن حضرت قدسی را در مسجد که در بقعای موسوم اخوان آباد (قطب آباد امروزی در جهرم) واقع شده بود و فیض داد مرا آنچه افاضه

۱- نسخه خطی: ۲۳.

۲- نسخه خطی: ۱۶.

می‌کرد بر برادران محقق و اهل دوستی و درک کردم راهنمایی‌های آن حضرت مقدسه را به کتاب‌ها و عبارت‌ها و راهنمایی می‌شدم به اشارات و تلویحات<sup>۱</sup>. همچنین در صفحات دیگری پس از نام اخوان آباد به فرزند قطب یعنی محیی‌الدین محمد بن محبوی، اشاره کرده و می‌نویسد:

«اللهم انی اداوم علی حب الاخوان الصالحین و جماعه منهم بسبب الاطماع الفاسد و الاعراض الکاسده ینشرون صحایف الکذب و الغیبه و النمیمه و البهتان و حساد کالمنین. اذا وصلت فی البقعه المبارکه الموسومه باخوان آباد بعد ایام کثرت ستائنی تاک، البقعه المروحه اذ بلغنی الحضرة المغفوریه [المحبیه] المحمدیه المحبویه رحمه الله علیه من فیئده بعض المکاتیب الّتی کتبتها الحضرة المقدسه المنوره بسببه حففت نوار الغیبه فاخذت من یده و نظرت فیها...»<sup>۲</sup>

خدایا! من به پادشاهان من بر دوستی برادران درستکار مستدام شدم و جماعتی از آنها به دلیل طمع‌های فاسده و گرایش مناسب و انتشار کتابهای دروغ و غیبت و سخن چینی به حسادها همانند نادان‌ها هستند. وقتی رسیدم در بقعه مبارکه مشهور به اخوان آباد (قطب آباد چهارم) بعد از مدتی نشسته بودم در آن بقعه باصفا همانا مرا احلاق کریم و سرور بزرگوار به محبیه محمدیه محبیه که رحمت خدا بر او باد و بود در دستش بعضی از نامه‌ها (منظور مکاتیب قطب بن محبی است) که نوشته بود آنرا حضرت مقدسه منوره القطب آمیخته به انوار غیبی پس گرفتم از دستش و نگاه کردم در آن پس ظاهر شد از آن بعضی کلمات با انصاف و طهارت قلب او و توجه آن به دانشجویان (طلاب) بویژه برادران و برادرکار پس قرار داد آن حضرت مفقودیه در دستم پس گفت: داده ام مرا که شناخته‌ها تو بعضی کلمات حضرت منوره مقدسه القطب پس توجه کردم به این کلمات و اشارات‌های آن توجهی تمام پس ستایش خدای بلند مرتبه که شرافت یافتم به فضل او و کرم او به صحبت نورانی‌اش.<sup>۳</sup>

۱- ترجمه از نگارنده.

۲- نسخه خطی: ۶۱.

۳- ترجمه از نگارنده.



تازه‌هایی درباره‌ی فرزندان قطب از زبان شهاب دانیالی جهرمی

۱- محیی الدین محمد محبوی کیست؟

ابن محبۃ المحمدیۃ المحبۃ که در متن بالا از زبان شیخ شهاب بیان شده است، تردید فرزند قطب است و نشان می‌دهد که شهاب دانیالی هم قطب را زنا کرده و هم فرزند او یعنی محیی الدین محمد محیوی، چرا که در مکتوب ۹۰۰ جابر هندوستان آمده است:

من عباده قطب بن محیی الی الولد الأمجد الأسعد الأوحّد محیی الدین محمد أن الله عمّهم در مقدمه چاپ مکانیب<sup>۲</sup> در بخش فرزندان قطب پس از اشاره به دو تن از فرزندان محیی الدین محمد و شرف الدین احمد آمده است:

«اطلاع دیگری از این دو فرزند، جز نه هایی که قطب به آنان نگاشته است یافت نشد.»<sup>۳</sup> اما محیی الدین قطب که شرح شهاب بن علاء دانیالی شاگرد قطب در رساله فقره‌اش به نام محیی الدین محمد<sup>۴</sup> که مکانیب قطب را در دست او دیده، اشاره میکند.

٢- نظام الدين محمود

فرزند کوچکتر قطب «نظام الدین محمّد» بوده است. در خانمهی یکی از مکاتیب قطب<sup>۴</sup> آمده: «جماعت این جانب همه به سلاطین و سلاطین و رعایا می‌رسانند خصوص فرزند نظام الدین محمود. قراین نشان می‌دهد که او را نام برده شده و همانا است با نیای قطب، فرزند اوست.»<sup>۵</sup> شهاب‌الدیالی چهارمی در رساله الفقریه از کسی به نام نظامیه المحمودیه نام می‌برد که به طور اختصار همین فرزند قطب باشد. مضاف بر این موضوع متن رساله نصایح دانیالیه که یکی از پنج اثر مهم شیخ شهاب محسوب می‌شود. نامهای است که شهاب دانیالی

۱- دانشگر: ۱۳۹۵: ۳۵۳.

۲۔ مکاتیب قطب بن محیی، انتشارات فرهنگستان، صفحہ ۲۷۔

۳- دانشگر: ۱۳۹۵: بیست و هفت.

۴- نسخه ی شماره ۲۲۲، ری ۱۱۴.

۵- دانشکده: ۱۳۹۵: بیست و هفت.

زمانی که به لار می‌رود به نظام الدین محمود نوشته است. وی در فقریه می‌نویسد:

الله الله فأنى أجهل خلق الله الكريم الرحيم الرحمن و كالأرض تحت أقدام أهل العلم و العرفان و أسئل الله القديم النان أن يعصم من جميع الآفات كل الإخوان أهد لأخى ابن الوداد و الاتحاد و آيين الأخوة و حسن الاعتقاد و أعجبا من الخضره العالم الجليله النظاميه المحموديه كيف يعطى الألو ف و لا يعطى الحروف موجودا يعطى على الأغيار الدرهم و الدينار و لا يوجد على الأبرار الطومار لم المتعصم و قطع مكاتبه و المراسله و قطع غلايق الإخوان و المضاجبه أحوطاً خب تلك الخضره العليه علمك شهاب بن علاء الدانيالى أحاطه النور بالمراه الجلى فلى كبد داميه تحت حبه ساميه إن الله تعالى قد لاخ على الشهاب أن تلك الخضره العليه بن ذوى الألباب و أن ذوى الألباب يحبون الفقراء و المساكين و أصحاب المعرفه و أرباب الاداب.

خدایا خدایا خدای من! من هستم تا آن تریز بنده خدای کریم رحیم و رحمان و خاک پای اهل علم و عرفان و درخواست دارم که خدای قدیم و منان که نگهدار از جمیع آفات جمیع برادران را. ای برادر! کجاست؟ دوستی و اتحاد و کجاست؟ برادری و حسن اعتقاد. خوب شگفتی از حضرت علیه جلیه (نظامیه محمودیه) چگونه عطا می‌کند دوستی را و عذر نمی‌کند حرف‌ها را می‌رساند بر اغیار درهم و دینار و نمی‌رساند بر نیکان. طومار نوش فایده‌ای ندارد و نامه نوشتن قطع شده و علاقه برادری و همنشینی قطع شده و احاطه کرده است بسبب آن حضرت بر قلب شهاب بن علاء دانیالی. احاطه نور بر آیینۀ روشن. پس برادر! جگر خونینی است که در زیر آن محبت بلندی است. همانا خدای باری روشن ساخته بر شهاب که آن حضرت از دارندگان بینش است و همانا صاحبان بینش دوست دارند فقرا و مساکین و اصحاب معرفت و ارباب آداب را. «ترجمه نگارنده»

همچنین در آغاز رساله نصایح دانیالیه آمده است:

«این مکتوبی است مشتمل بر نصایح سدیده که حضرت قدسیه غوثیه شهبانیه علیه دانیالیه به حضرت علیه جلیه نظامیه محمودیه نوشته در آن تاریخ که به لار فرموده

بودند و این فقیر حقیر یوسف شاد جمال الدین بایزید دیلمی از نسخه شیخ جمال الدین شیخ محمد نقل کرده<sup>۱</sup>

نکته‌ی مهم این بحث، راجع به نصایح دعوت گونه شهاب جهرمی است. از آنجا که نظام الدین محمود به اشاعه اعتقادات اهل سنت در لار پایبند بوده<sup>۲</sup> و شیخ شهاب بر مذهب تشیع به آن شهر سفر می‌کند از نظام الدین محمود می‌خواهد به متابعت آل عبا و معنی آیه اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم بیشتر توجه کند. بخشی از متن رساله نصایح دانیاله به شرح ذیل است:

«... ای مسلمان! گاهی به سعادتی اخروی شونده مقرون که جمیع حرکات و سکنات سازنده و مانع شرع را به عدل موزون، اصل الاصول عصیان و فترات و کدورات نماید در مهر و صفا بیفزاید و هر شام که خلق بر حسن افق شود پیدا [بینا] بیفزاید. در متابعت آل عبا؛ خرم دل مؤمنی [که] روی دل و جان به سوی قبله متابعت و مطاوع سلطنت تخت شریعت؛ شاه بارگاه طریقت نهاد و مواد مهر و وفا کرده آماده و حلقه اشتغال اوامر و نواهی بالوالا در گوش و آیه کریمه‌ی (اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم) را در دل و جان

نکند فراموش و معانی آن مبین است بر دل عالی که رواء بر جوسا دوام می‌کرد مرشح و اگر به واسطه‌ی غلبات بهوات عمل نکنند به نصایح این خاکسار و التفات کنند به سخنان منکران این احقر طالب و راهزنان و فتنه‌انگیز بلند، در حال و مال می‌شوند ملول و مکدر و معاقب و پریشان.

وقت غنیمت شمر و نه چو فرصت گذشت

آه که را داد سود، ناله که آمد بکا.<sup>۳</sup>

پس شیخ شهاب حلی این نامه از نظام الدین محمود می‌خواهد که در دایه محبت و اطاعت از اهل بیت و ائمه اطهار گرایش یابد همچنین در حسن خلاقیت کلام با سرودن یک بیت شعر تاکید کثیری به اهمیت وقت و از دست ندادن فرصت می‌پردازد که نتیجه آن جزء آه و ناله چیزی به جا نمی‌گذارد.

۱- شهاب دانیالی، نسخه خطی نصایح دانیاله.

۲- دانشگر: ۱۳۹۵؛ بیست و هشت.

۳- شهاب دانیالی، نسخه خطی.

## سه تن از مخاطبان مکاتیب قطب بن محیی

۱- شهریار چهرمی

۲- امیر جلال الدین احمد

۳- شیخ جمال الدین بن شیخ محمد

در برخی از مکاتیب شیخ قطب بن محیی خطاب به دو امیر از امرای چهرم در قرن نهم هجری اشاره شده است. قطب در مکتوب ۲۹۴ چاپ قم سال ۱۳۸۴ ادعای محسوب می‌کند:

«... فی الله قطب الی الاخوان الالیهین المبارکین عموماً و الی ولی فی الله سید الاخوان الالیهین الامیر علی الملّه و الدین الشیخ محمد و الی ولی فی الله الامیر معز الملّه و الدین الشیخ اسحق خصوصاً. (اما بعد) فوالله یعظم اجرکم فی عبده المقبوض الی رحمته الحبيب الامیر جلال الدین احمد و فی امه المقبوضه الی رحمته و یجعلهما تذکره لکم فی سبیل الزاد و ذخیرة یوم الصار»<sup>۱</sup>

در مکتوب ۲۹۸، امیر شهریار اشاره کرده و می‌نویسد:

«من عبدالله قطب الی حضره المخدم، افاض الله علیه من الانوار، شمس الملّه والحق والدین شهریار»<sup>۲</sup>

آقای اشراق، نویسنده کتاب بزرگان چهرم معتقد است که این امیر شمس الدین شهریار، گویا میر شهریار چهرمی است که ابراهیم خان پیر کچل بیگ حاجی لوی ذوالقدر که به سال ۹۴۷ به حکومت نرسید، میرده وایی سبب کور کرده است.<sup>۳</sup>

شیخ شهاب چهرمی که به زندگی و آثار وی پرداخته شد در رساله فقیریه نه تنها به امیر جلال الدین احمد و شمس الدین شهریار اشاره کرده بلکه به دیگر مشایخ و برادران الهی اخوان آباد اشاره کرده است. شیخ شهاب در رساله الفقیریه اش می‌نویسد:

۱- قطب: ۱۳۸۴: ۶۷۵

۲- قطب: ۱۳۸۴: ۷۰۴

۳- اشراق: ۱۳۵۱: ۱۲۹

«لاتنس خلاننا خصوصاً الولدین المعظمین المکرمین الشہریارین الامیر جلال الملہ و الدین احمد والامیر شمس السعاده والدین شہریار احوال اللہ عمرہما فی التوبہ و الطاعہ و العدالہ»<sup>۱</sup>

نتیجہ بحث آنکہ مکتب عرفانی قطب بن محیی جہرم توسط شہاب بن ابی جہرمی و برخی از مخاطبان مکاتیب مثل شہریار جہرمی ادامه پیدا مسد و در این کتاب برای اولین بار رسالہ «ال ہوائف فی سلوک العوارف» و «مراتب» از قطب بن محیی و رسالہ الفقریہ از شیخ شہاب دانیالی قس جہرمی چاپ می‌رشد. امید است کہ دوستداران مکتب عرفانی جہرم از آن بہرہ مند گردند.